

# بررسی احکام حقوقی و عرفی فرزندان نامشروع در جمهوری اسلامی ایران و رویکرد نحوه حضانت آنها

محمد رضایی<sup>۱</sup>

## چکیده

بحث پیرامون فرزندان مشروع و نامشروع در عرف و قانون، طی بازه‌های زمانی مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. نظرات در این حیطه معمولاً بر دو قسم است. گروهی معتقدند کودکان نامشروع می‌بایست به ابوی طبیعی خود ملحق شوند و نبایست این اطفال را از حقوق خود محروم ساخت اما گروه دوم بر این باورند کودکان طبیعی تنها از توارث، قضاوت، شهادت و امام جماعت بودن محروم هستند و اعتقاد دارند این موارد در مقابل دیگر حقوق ایشان قابل چشم‌پوشی است. به هر ترتیب محقق در این پژوهش سعی کرده، از تکرار مکررات و بررسی نظریه‌های مختلف که بارها توسط محققان محترم دیگر انجام شده، پرهیز کند و با استفاده از پرسشنامه به صورت مستقیم با این اطفال و والدین ایشان، اطلاعات کسب کند و به طریقی نوین این افراد را مورد مطالعه قرار دهد و مشکلات ایشان را نه فقط از طریق قانون، بلکه از نگاه افراد آسیب‌دیده هم مورد بررسی قرار دهد که به این موارد در خلال مقاله به صورت مبسوط اشاره شده است.

**کلیدواژه‌ها:** فرزند نامشروع، حضانت، ولدالزنا، وطی به شبهه، تلقیح مصنوعی

## مقدمه

در قرون وسطی مرد مجاز بود باروری زن آینده‌اش را قبل از ازدواج امتحان کند و به همین جهت تعداد فرزندان نامشروع در آن دوران بسیار بالا بود اما کاملاً پذیرفته می‌شدند. امروزه نیز معضل مادران تنها و فرزندان نامشروع یکی از مهم‌ترین چالش‌های جهان غرب (و اخیراً جهان شرق و حتی کشورهای اسلامی) محسوب می‌شود. آمار، ۲۲۰ هزار سقط جنین در کشور (۲۱۴ هزار مورد بدون مجوز) را نشان می‌دهد. (بیزدانی و دوستی، ۱۳۹۶، ۹۰). اما دین اسلام تلاش می‌کند که جامعه را بر اساس پاکی و طهارت بنا سازد و به همین علت از اولویت‌های دین، توجه به خانواده بوده است و خواهد بود. چراکه خانواده نخستین زیربنای شاکله جامعه است و هرگاه که خانواده اصلاح شود جامعه اصلاح می‌شود و آن‌گاه که فاسد گردد جامعه فاسد می‌شود و به همین دلیل به خاطر تحقق هدف عالی که همان اصلاح خانواده است خداوند تعالی ازدواج را وضع نموده و آن، روش پاسخگویی به ندای فطرت است که خداوند انسان را بدان آفریده و با ازدواج، جامعه پایدار می‌ماند و نتیجه این ازدواج، پشتوانه جامعه با نسلی پاک و صالح است. با این حال، هرکس راه‌های گمراهی را بپیماید و در گناه بیفتد و مرتکب فحشا شود و در نتیجه آن صاحب فرزند یا فرزندان می‌شود که این فرزندان از امتیازات فرزند شرعی که در حمایت خانواده و سرپرستی آن‌ها هستند و به پدر مشخص و معینی نسبت داده می‌شوند و جایگاه و دیدگاه خاصی را دارند محروم هستند و این فرزندی که در نتیجه روابط حرام متولد می‌شوند ولدالزناست و یا فرزند غیرشرعی که به آن اطلاق می‌شود (محمودی‌کهن، ۱۳۹۱، ۱۲).

۱- قاضی شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان خمینی شهر

## ۱. انواع طفل مشروع و نامشروع

فرزندان نامشروع به افرادی اطلاق می‌شود که در نتیجه رابطه جنسی آزادانه بین زن و مردی که بدون رابطه و علقه زوجیت بین آنان بوده باشد، به وجود آمده‌اند و در این صورت از نظر حقوقی بین فرد و پدر و مادر عرفی یا به عبارتی طبیعی وی یک رابطه خونی و طبعی می‌باشد اما این رابطه مشروع و قانونی نبوده و نسب چنین فرزندان نامشروع محسوب می‌گردد (آقاجانی، ۱۳۹۶، ۱) که به چهار دسته تقسیم می‌شوند: ولدالزنا، طفل نامشروع در حالت وطی به شبهه، طفل ناشی از تلقیح مصنوعی با منی شوهر، طفل ناشی از تلقیح مصنوعی با منی اجنبی. که در ادامه به صورت مبسوط بررسی می‌گردد.

### ۱-۱. ولدالزنا

هرگاه در نتیجه رابطه نامشروع زن و مرد، طفلی به دنیا آید نسب او ناشی از زنا و به تعبیر دیگر نامشروع و طفل را ولدالزنا، فرزند طبیعی و فرزند نامشروع گویند (همان، ۵).

### ۱-۲. طفل نامشروع در حالت وطی به شبهه

درخصوص وطی به شبهه با محارم از نظر فقهی هیچ شبهه‌ی وجود ندارد که این ارتباط مانند سایر موارد شبهه از مصادیق ارتباط مشروع است. ولی حقوقدانان در این مورد مخالفت کرده و کودک ناشی از وطی به شبهه با محارم را به هیچ یک از پدر و مادر ملحق نکرده‌اند و این حکم را به فقهای امامیه نسبت داده و ادعای اجماع نیز کرده‌اند در صورتی که در فقه کسی قائل به نامشروع بودن آن نشده است و فرزندی که از آن به وجود آید کسی نگفته است که نامشروع است تا چه رسد به اینکه اجماعی باشد، بلکه هرکسی در این زمینه سخن گفته، کودک را کودک مشروع دانسته و همه‌ی آثار و احکام ولد حتی توارث را بر او مرتب کرده است (قبل، ۱۳۷۸، ۱۱۷).

بر حسب ماده ۱۶۵ قانون مدنی، کودک متولد شده حاصل از نزدیکی به شبهه، به طرفی که در اشتباه بود و نزدیکی را مشروع تصور می‌کرده ملحق می‌گردد. وطی به شبهه بر سه قسم است: وطی به شبهه با زن آزاد<sup>۲</sup>، وطی به شبهه با زن شوهردار<sup>۳</sup>، وطی به شبهه با محارم.

### ۱-۳. طفل ناشی از تلقیح مصنوعی با منی اجنبی

در تبیین وضعیت حقوقی طفل متولد در این قسم، برخی با توجه به اینکه سبب انتساب طفل به پدر و مادر را نزدیکی در فرض وجود رابطه زوجیت بین آنها یا اعتقاد به وجود چنین رابطه‌ای می‌شمرند، در مواردی که این عامل اصلی وجود نداشته باشد، خواه دلیل آبهستی زن، نزدیکی نامشروع (زنا) باشد یا سایر تماس‌های بدنی (مانند تفخیز) یا تلقیح مصنوعی، نسب را نامشروع دانسته و بر این اساس بین مورد علم و جهل صاحبان اسپرم و تخمک نسبت به عمل لقاح تفاوت قائل شده‌اند. به این ترتیب که اگر طرفین جاهل به عمل تلقیح باشند و پس از وقوع بارداری یا تولد فرزند از آن اطلاع پیدا کنند - مثال پزشک به عنوان مداوا و بدون اطلاع به آنها، اسپرم فردی را در رحم دیگری قرار دهد - طفل را به پدر و مادر طبیعی (صاحبان اسپرم و تخمک) ملحق نموده‌اند، با این استدلال که طفل مزبور در ردیف ولد شبهه است و با توجه به ماده ۱۱۶۵ قانون مدنی، الحاق

۲- در این حالت فرزند متولد شده، به واطی به شبهه ملحق می‌شود.

۳- به منظور مصلحت خانواده، طفل به شوهر نسبت می‌گردد.

نسب محقق است، اما در فرض علم زن و مرد، عمل لقاح را در حکم ارتکاب زنا فرض نموده، لذا طفل را به پدر و مادر  
طبیعی \_\_\_\_\_ می‌ملح \_\_\_\_\_ تق نینداش \_\_\_\_\_ ته‌ان \_\_\_\_\_ د  
(مهدوی‌کنی و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۱۹).

## ۱-۴. طفل ناشی از تلقیح مصنوعی با منی شوهر

بعضی اقسام تلقیح اشکال شرعی ندارد و بجهت آن که از آن به وجود می‌آید جزء کودکان مشروع محسوب می‌شود و هم‌ه‌ی آثار کودکان معمولی بر او نیز مترتب می‌گردد، مانند تلقیح اسپرم شوهر به زوجه خود. این قسم از تلقیح حرمتی ندارد چون دلیلی بر حرمت آن نیست (قبله‌ای، پیشین، ۱۲۰).

## ۲. مقایسه طفل مشروع و نامشروع

یکی از اهداف شریعت اسلام از احکام و قوانین، پدید آمدن انسان کامل و صالح می‌باشد و کلیه حقوق و واجبات اجتماعی از سوی شارع به نحو دقیقی مورد توجه و عنایت قرار گرفته است؛ هر کودکی بنا به مشروعیت و عدم مشروعیت نسب از حقوقی نسبت به پدر و مادر و اجتماع برخوردار است و در شرع مقدس اسلام شرایط نسب مشروع که مهم‌ترین آن تولد طفل در اثر ازدواج صحیح و قانونی است، را بیان داشته است. لذا فرزندان حاصل یک رابطه نامشروع با علم و آگاهی دو طرف متولد شده و دارای نسب نامشروع شناخته می‌شوند و در نتیجه این فرزندان از حقوق در اجتماع محروم می‌شوند (آقاجانی، پیشین، ۲).

## ۳. حقوق اطفال نامشروع

احکام حقوقی و نیز تدابیر حمایتی لایحه شامل کلیه افراد زیر ۱۸ سال اعم از اطفال بی‌سرپرست، ناشی از روابط نامشروع و اطفال بزهکاری که بزه‌دیده باشند، می‌گردد. توضیح آن که فرزند نامشروع وفق برخی قوانین از جمله ماده ۸۸۴ قانون مدنی و نیز ماده ۱۵۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ از حق توارث، امکان ادای شهادت و اشتغال به برخی مشاغل مانند قضاوت که دارای شرط طهارت مولد است، محروم می‌گردد. وی به والدین طبیعی خود منتسب نیست و تنها نسبت به طرفی که آگاه از فقدان رابطه زوجیت نبوده یا مجبور به رابطه شده، مشروع به حساب می‌آید. اما از آنجا که وفق رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در سال ۱۳۷۶، پدر طبیعی کودک نامشروع مکلف به انجام کلیه تکالیف پدر قانونی برای وی می‌باشد، در خصوص سایر حقوق مدنی کودک نامشروع با توجه به عدم درج محرومیت وی از این حقوق در قوانین فعلی، باید اصل را بر بهره‌مندی کودک مزبور از آن حقوق و از جمله لزوم سرپرستی و نگهداری کودک دانست و همین امر در مورد شمول احکام

احکام ایمن لایحه

در خصوص وی نیز جاری است. همچنین با توجه به آن که ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی و نیز تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی با استناد به منابع فقهی سن بلوغ در پسران را پانزده و دختران نه سال تمام قمری تعیین نموده لذا بزهکاران زیر سن ۱۸ سال که به بلوغ شرعی رسیده باشند تا حدی از حمایت‌های این قانون بهره می‌برند که با مسؤولیت کیفری ایشان در تعارض نباشد (عباسی‌کلیمانی، ۱۳۹۰، ۴۵). درباره حقوق مدنی و کیفری این گونه افراد، قابل ذکر است که جزء در موارد معدودی این افراد از تمامی حقوق مربوط به افرادی که با نسب شرعی و قانونی به وجود آمده‌اند برخوردار می‌باشند و این موارد معدود را می‌توان در توارث، قضاوت، شهادت و امام جماعت بودن این افراد خلاصه کرد که در مقابل سایر حقوق بسیار ناچیز است و دلیل این محرومیت‌ها به دلیل جایگاه خاص این امور می‌باشند که جایگاهشان در مواردی مثل قضاوت جایگاه ائمه و معصومین باشد و لازم است افرادی متصدی این امور شوند که از نطفه‌ای پاک به وجود آمده باشد و چون این افراد اقتضای ارتکاب به شقاوت بیشتری دارند شرع مقدس این محرومیت‌ها را درباره آن‌ها قائل شده است (هاشمیان، ۱۳۷۹، ۱).

### ۱-۳. حضانت

حضانت عبارت است از اقتدار قانونی که به پدر و مادر داده شده تا همراه با حقوق و مسؤولیت‌های خاص خود، به مراقبت و تربیت فرزندان خود در خانواده و اجتماع بپردازند. این اختیار به سبب آن است که در آن مصلحت کودک تامین شود (پیروزمند، ۱۳۹۳، ۲۲۸). کودک طبیعی با والدین خود صرفاً یک رابطه خونی و عرفی داشته و فاقد نسب مشروع هستند. براساس نظام حقوقی اسلام طفل ناشی از روابط آزاد، منتسب به پدر و مادر نمی‌گردد و هیچ رابطه حقوقی با آنان ندارد، زیرا حفظ نسب که یکی از مقاصد کلان شریعت است، با این گونه روابط نامشروع دچار اختلال می‌گردد. بنابراین در نظام حقوقی اسلام هیچ رابطه‌ای بین پدر و مادر با طفل نامشروع وجود ندارد، لیکن به خاطر حفظ مصالح کودک، پدر و مادر از باب تکون این گونه اطفال مسؤول‌اند. به هر حال، حق ولایت پدر و مادری و همچنین حق حضانت مادر و پدر چنانکه از مواد مربوط استنباط می‌شود از آثار نسب قانونی است و بین پدر و مادر طبیعی طفل متولد از آنان، رابطه قانونی موجود نیست و طفل می‌تواند از زنا ملحق بزانی نمی‌شود، بنابراین پدر و مادر طبیعی حق ولایت و حضانت بر طفل طبیعی خود ندارند، ولی چون طفل احتیاج به نگهداری دارد و این امر از واجبات کفایی می‌باشد و پدر و مادر که موجب ایجاد طفل مزبور شده‌اند، در نگهداری از او اولی از دیگران می‌باشند (نجاری، ۱۳۹۶، ۱).

### ۲-۳. نفقه

اگر وجوب نفقه طفل نامشروع بر والد را قرابت بین منفق و منفق‌علیه بدانیم، قرابتی بین طفل نامشروع و پدر عرفی‌اش نمی‌باشد، زیرا قرابت نسبی زمانی مصداق می‌یابد که ناشی از رابطه مشروع باشد و ولدالزنا دارای نسب مشروع نبوده و مستحق نفقه نیز نخواهد بود. اما در عصر حاضر بر مبنای رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور به شماره ۶۱۷ مورخ ۱۳۷۶/۴/۳ (زانی پدر عرفی طفل نامشروع تلقی گردیده و در نتیجه کلیه تکالیف پدر برعهده وی می‌باشد و صرفاً موضوع ارث بین آن‌ها منتفی است). در این رأی با استناد به مساله ۳ و ۴۷ از موازین قضایی امام خمینی (ره) به صراحت آمده است که متولد از زنا در نفقه و حضانت حکم سایر اولاد را دارد و نفقه او بر عهده پدر است و دیگر آن که نفقه و حضانت طفل نامشروع به اجداد سرایت نمی‌کند و آنان هیچ گونه الزامی در این باره ندارند (کاویانی فرد و سهل‌آبادی، ۱۳۹۱، ۱۲۹).

### ۳-۳. ازدواج

اطفال ناشی از زنا، با پدر و مادر خود رابطه خونی دارند و شرع مقدس هرگز این رابطه را از نظر دور نمی‌دارد. با وجود اینکه بعضی از آثار حقوقی را برای ولدالزنا نشناخته است، در زمینه ازدواج و محرمیت، ولدالزنا را مانند فرزند مشروع خود اعلام کرده است. و لذا دختر حاصل از زنا نمی‌تواند با پدر و یا برادران طبیعی خود ازدواج کند و به عبارت دیگر دختر ناشی از زنا بر پدر و برادران خود حرام است. یعنی پدر و مادر به فرزند طبیعی خود دارای حقوقی مانند حق قیمیت می‌باشند (نجاری، پیشین، ۵).

### ۴-۳. ارث

ارث از احکام مترتب بر نسب است، بنابراین با تعیین نسب طفل، می‌توان راجع به ارث و ورثه حکم صادر کرد. یکی از موجبات ارث میان آن دو وجود داشته باشد که این موجبات را منحصر به احراز قرابت نسبی یا سببی دانسته‌اند (سببی یا نسبی) و با توجه به اینکه موضوع مورد بحث، حق توارث طفل است، در وهله اول ارائه معیار برای انتساب فرزند به والدینش ضرورت می‌یابد؛ در مرحله بعد باید وجود شرایطی سه گانه شامل موت مورث، وجود وارث و وجود ترکه جهت اثبات تحقق ارث احراز شود و پس

از آن باید بررسی شود که موانع تحقق ارث، شامل قتل، والدت از زنا، کفر، لعان و... در رابطه دو فرد وجود نداشته باشد که در بحـث تلقـی مصـنوع نوعی، به طور خاص شبهه زنازاده بودن کودک باید مرتفع شود تا تحقق ارث در صورت فقدان سایر موانع اثبات شود (مهدوی کنی و همکاران، پیشین، ۱۰۳). به عبارت دیگر، از نظر حقوقی نسب رابطه خونی، طبیعی، اعتباری و قراردادی بین دو فرد تلقی می‌شود که چنین رابطه‌ای به زعم عده‌ای فقها بین طفل نامشروع و پدر خود برقرار می‌باشد و این گونه اطفال جز در مورد ارث ملحق به تمامی حقوق وی می‌باشند. در مقابل اکثر فقها منکر چنین رابطه‌ای بین این دو گردیده‌اند و بالتیجه اثبات نسب در این افراد موضوعاً منتفی می‌دانند (هاشمیان، ۱۳۷۹، ۱).

#### ۴. یافته‌ها

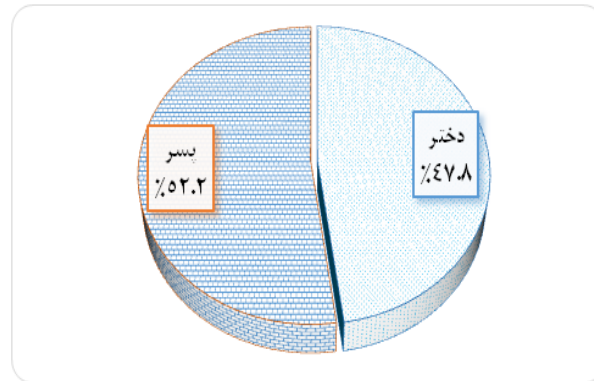
طبق پرسشنامه‌های توزیع شده، اطلاعاتی به صورت زیر به دست آمد:

در این تحقیق ابتدا تحلیل داده‌ها بر مبنای آمار توصیفی صورت گرفته و سپس جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آزمون‌های آماری کای دو استفاده می‌شود. در تحقیق حاضر به منظور دستیابی به سیمای عمومی نمونه آماری، جداول توزیع فراوانی این متغیرهای جنسیت اطفال و وضعیت مشروعیت آن‌ها ارائه می‌گردد. جدول شماره ۱ توزیع فراوانی وضعیت جنسیت اطفال نمونه را نمایش می‌دهند. در نمونه‌گیری، تعداد فرزندان نامشروع پسر بیشتر از دختران بود ۵۲/۲ درصد پسر و ۴۷/۸ درصد دختر می‌باشند. پرسشنامه استفاده شده در این مورد، در چند مرکز درمان ناباروری و دادگستری توزیع شد.

جدول ۱ توزیع فراوانی وضعیت جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد	درصد معتبر
دختر	۳۲	۴۷/۸	۴۷/۸
پسر	۳۵	۵۲/۲	۵۲/۲
جمع	۶۷	۱۰۰	۱۰۰

### نمودار ۲ توزیع فراوانی وضعیت جنسیت



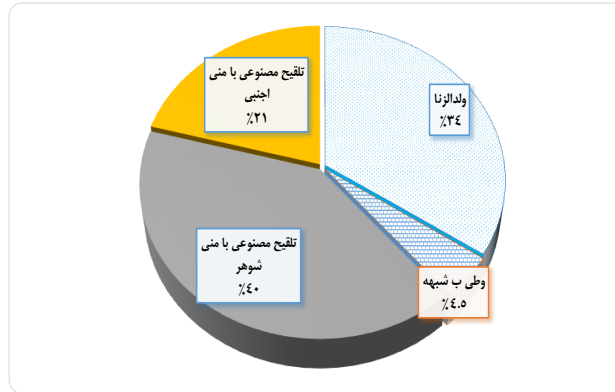
#### ۴-۱. وضعیت مشروعیت

جدول شماره ۲ توزیع فراوانی وضعیت اطفال مشروع و نامشروع نمونه را نمایش می‌دهند. با توجه به اطلاعات به دست آمده، از بین پرسشنامه‌های توزیع شده بیشترین آمار مربوط به (۴۰/۳ درصد) از طریق تلقیح مصنوعی با منی شوهر می‌باشند و پس از آن به ترتیب، ولدالزنا با ۳/۳۴٪، تلقیح مصنوعی با منی اجنبی با ۹۰/۲۰٪ و نهایتاً وطی به شبهه با ۵/۴٪ به ترتیب از بیشترین به کمترین به دست آمد.

#### جدول ۲ توزیع فراوانی وضعیت انواع اطفال مشروع و نامشروع

درصد معتبر	درصد	فراوانی	
۳۴/۳	۳۴/۳	۲۳	ولدالزنا
۴/۵	۴/۵	۳	وطی به شبهه
۴۰/۳	۴۰/۳	۲۷	تلقیح مصنوعی با منی شوهر
۲۰/۹	۲۰/۹	۱۴	تلقیح مصنوعی با منی اجنبی
۱۰۰	۱۰۰	۶۷	جمع

## نمودار ۲ توزیع فراوانی وضعیت انواع اطفال مشروع و نامشروع



### ۲-۴. آمار استنباطی

در این بخش به کمک آزمون‌های مناسب آماری به بررسی داده‌های پژوهش پرداخته می‌شود و الگوی تأثیرات منفی و رعایت حقوق اطفال نامشروع در عرف بر حسب متغیر جنسیت و مشروعیت بررسی می‌گردد. برای بررسی ارتباط بین متغیرهای کیفی مذکور، از آزمون کای دو استفاده می‌شود. این آزمون یکی از رایج‌ترین آزمون‌های ناپارامتریک است و زمانی از آن استفاده می‌شود که داده‌ها به صورت فراوانی باشند و آن‌ها را بتوان به صورت دو یا چند طبقه تقسیم‌بندی کرد. در واقع، هدف این آزمون پاسخگویی به این سوال است که آیا رابطه معنی‌داری بین دو متغیر که غالباً اسمی یا رتبه‌ای هستند، وجود دارد یا خیر. در این نوع آزمون فرض صفر بیان می‌کند که هیچ رابطه معنی‌داری بین دو صفت وجود ندارد و رد آن به معنی وجود یک رابطه معنی‌دار بین این دو متغیر است یعنی:

فرضیه  $H_0$ : بین دو متغیر رابطه معنی‌دار وجود ندارد.

فرضیه  $H_1$ : بین دو متغیر رابطه معنی‌دار وجود دارد.

لذا برای تعیین رابطه معنی‌داری بین متغیرهای رعایت حقوق و گرایش‌های منفی بر حسب مشروعیت و یا جنسیت در سطح خطای  $0/05$ ،  $p$ -مقدار آزمون، مورد توجه قرار می‌گیرد. چنانچه  $p$ -مقدار از عدد  $0/05$  بزرگتر باشد، فرضیه صفر پذیرفته می‌شود و متغیرها روی هم تأثیری ندارند و اگر  $p$ -مقدار آزمون از  $0/05$  کوچکتر باشد، فرضیه صفر رد می‌شود و این بدان معنی است که متغیرها روی هم تأثیر معناداری دارند.

### ۲-۴-۱. الگوی رعایت حقوق اطفال بر حسب مشروعیت

در این قسمت، مقایسه الگوی رعایت حقوق اطفال بر حسب مشروعیت می‌باشد. برای این مقایسه، از آزمون‌های آماری مجذور کای دو استفاده می‌شود. چنانچه در جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود، نتایج حاصل نشان می‌دهد که بین الگوهای رعایت حقوق اطفال در گروه فرزندان مشروع و نامشروع در همه بخش‌های حقوقی بجز ازدواج تفاوت معناداری وجود دارد. چراکه  $p$ -مقدار آزمون از  $0/05$  کمتر می‌باشد و لذا فرضیه تفاوت در دو گروه پذیرفته می‌شود. لذا با توجه به مقدار فراوانی‌ها در دو گروه، می‌توان نتیجه گرفت که حقوق عرفی حضانت و ارث در مورد فرزندان نامشروع، کمتر از فرزندان مشروع رعایت می‌شود. در مورد حق



نفقه (که به اطفال نامشروع تعلق می‌گیرد)، از ۲۶ نفر اطفال نامشروع، ۱۱ نفر آنها نفقه دریافت کرده‌اند. در رابطه با حق ازدواج، چون در مورد همگی اطفال رعایت شده است، تنها فراوانی آنها در جدول درج شده است.

جدول ۳ بررسی تفاوت رعایت حقوق اطفال بر حسب مشروعیت

مقدار P	آماره $\chi^2$	نامشروع		مشروع		رعایت	حقوق
		درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۰/۰۰	۳۲/۰۸۴	۲۵/۳۷	۱۷	۱/۴۹	۱	نمی‌شود	حضانت
		۱۳/۴۳	۹	۵۹/۷۰	۴۰	می‌شود	
۰/۰۰	۲۶/۷۲۱	۲۲/۳۸	۱۵	۱/۴۹	۱	نمی‌شود	نفقه
		۱۶/۴۱	۱۱	۵۹/۷۰	۴۰	می‌شود	
۰/۰۰	۱۸/۵۳۶	۱۴/۹۳	۱۰	۰/۰۰	۰	نمی‌شود	ارث
		۲۳/۸۸	۱۶	۶۱/۱۹	۴۱	می‌شود	
		۰/۰۰	۰	۰/۰۰	۰	نمی‌شود	ازدواج
		۳۸/۸۱	۲۶	۶۱/۱۹	۴۱	می‌شود	

#### ۴-۲-۲. الگوی گرایشات منفی بر حسب مشروعیت

در این قسمت، مقایسه الگوی گرایشات و تاثیرات منفی بر حسب مشروعیت صورت می‌گیرد. برای این مقایسه نیز، از آزمون‌های آماری مجذور کای دو استفاده می‌شود. چنانچه در جدول شماره ۴ ملاحظه می‌شود، نتایج حاصل نشان می‌دهد که بین الگوهای تاثیرات منفی گروه فرزندان مشروع و نامشروع در همه بخش‌های تاثیرات، تفاوت معناداری وجود دارد. چراکه  $p$ - مقدار آزمون از  $0/05$  کمتر می‌باشد و لذا فرضیه تفاوت در دو گروه پذیرفته می‌شود. لذا با توجه به مقدار فراوانی‌ها در دو گروه، می‌توان نتیجه گرفت که انزواطلبی، افسردگی، احساس بی‌ارزشی، سرخوردگی و روی آوردن به بزه‌کاری در فرزندان نامشروع، بیشتر از فرزندان مشروع رعایت می‌شود.

جدول ۴ الگوی تاثیرات منفی بر حسب مشروعیت

P	آماره $\chi^2$	نامشروع		مشروع		دارند / ندارند	تأثیرات
		درصد	تعداد	درصد	تعداد		
0/00	18,505	11/94	8	50/75	34	ندارند	انزواطلبی
		26/87	18	10/45	7	دارند	
0/00	14,783	11/94	8	47/76	32	ندارند	افسردگی
		26/87	18	13/43	9	دارند	
0/00	9,246	14/93	10	46/27	31	ندارند	احساس بی‌ارزشی
		23/88	16	14/93	10	دارند	
0/00	9,795	19/40	13	52/24	35	ندارند	سرخوردگی
		19/40	13	8/96	6	دارند	
0/00	6,317	23/88	16	53/73	36	ندارند	روی آوردن به بزه‌کاری
		14/93	10	7/46	5	دارند	

#### ۴-۲-۳. الگوی گرایشات منفی اطفال نامشروع بر حسب جنسیت

با توجه به تفاوت معنی‌دار احساسات منفی اطفال نامشروع در قسمت قبل، در این قسمت، مقایسه الگوی احساسات منفی اطفال نامشروع بر حسب جنسیت صورت می‌گیرد. با توجه به جدول شماره ۵، نتیجه می‌شود که بین الگوهای احساسات منفی فرزندان نامشروع همه بخش‌های احساسات و عواطف منفی، تفاوت معناداری وجود دارد. ( $p$ - مقدار آزمون از  $0/05$  کمتر می‌باشد) و لذا فرضیه تفاوت در دو گروه پذیرفته می‌شود. بنابراین با توجه به مقدار فراوانی‌ها در دو گروه، می‌توان نتیجه گرفت که انزواطلبی، افسردگی، احساس بی‌ارزشی، سرخوردگی در فرزندان نامشروع دختر، بیشتر از فرزندان نامشروع می‌باشد. این در حالی است که متغیر روی آوردن به بزه‌کاری در مورد پسران بیشتر از دختران می‌باشد.

جدول ۵ الگوی گرایشات منفی بر حسب جنسیت

P	آماره $\chi^2$	دختر		پسر		دارند/ ندارند	تأثیرات
		درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۰/۰۰	۵,۰۶	۷/۶۹	۲	۲۳/۰۸	۶	ندارند	انزوطلبی
		۵۰/۰۰	۱۳	۱۹/۲۳	۵	دارند	
۰/۰۰	۵,۰۸	۱۱/۵۴	۳	۲۶/۹۲	۷	ندارند	افسردگی
		۴۶/۱۵	۱۲	۱۵/۳۸	۴	دارند	
۰/۰۰	۵,۱۰۵	۱۵/۳۸	۴	۳۴/۶۲	۹	ندارند	احساس
		۴۲/۳۱	۱۱	۷/۶۹	۲	دارند	
۰/۰۰	۷,۷۲۱	۵۰/۰۰	۱۳	۱۱/۵۴	۳	ندارند	سرخورده‌گی
		۷/۶۹	۲	۳۰/۷۷	۸	دارند	
۰/۰۰	۹,۴۵۸	۲۳/۰۸	۶	۱۱/۵۴	۳	ندارند	روی آوردن به بزه کاری
		۳۴/۶۲	۹	۳۰/۷۷	۸	دارند	

#### نتیجه‌گیری

برای کنار گذاشتن برخی کلیشه‌ها با افراد مختلفی که به روشی به جز روش عرف و شرع، باردار شده‌اند به مطالعه و کسب اطلاعات از آنها پرداخته شد. نتایج تحقیقات نشان داد که بیشترین حجم فرزندان نامشروع و ولدالزنا (حاصل از رابطه آزاد) به ۳۴/۳ درصد و پس از آن تلقیح مصنوعی با منی شوهر می‌باشد. برخی از افرادی که با این نوع تلقیح مبادرت به باروری کرده‌اند، اطلاعات کافی راجع به شرع و قوانین حقوقی راجع به فرزندان خود نداشتند و با اینکه در قوانین کشور مصداق فرزندان نامشروع است (و این افراد از برخی حقوق بصورت بالقوه محروم هستند) اما نام فرزندان را در شناسنامه والدین آن‌ها ثبت و بصورت قانونی سرپرستی فرزند خود را (با رعایت تمامی حقوق) برعهده می‌گیرند. همچنین در رابطه با تلقیح مصنوعی با منی شوهر و وطی به شبهه در هر مورد همان طـور که پیشـتر عنـوان شـود، ایـن فرزندـان جـزو فرزندان مشروع به حساب می‌آیند و ایرادی به این قضیه وارد نیست.

با توجه به نتایج بدست آمده، مشخص شد که حضانت فرزندان نامشروع از جانب پدر (یا مادر) کمتر به عهده گرفته می‌شود و معمولاً به دلیل مسائل عرفی که والدین با آن‌ها روبرو هستند، از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند. در این بین این کودکان هستند که از رابطه‌ای که خود آنها در آن هیچ دخالتی نداشته‌اند، آسیب می‌بینند و مورد هجوم انواع و اقسام ناملاطمتی‌ها و فشارها از سمت جامعه قرار می‌گیرند؛ و کودک از همان سنین آغازین محکوم به تحمل شرایطی می‌شوند که سزاوار آن نیستند. هرچند بسیاری از فقها معتقدند، منهای چند مورد خاص، تمامی حقوقی که یک فرزند مشروع دارد، فرزند نامشروع نیز دارد و بنابراین قابل چشم‌پوشی است. البته باید در نظر داشت که عرف و فرهنگ در جامعه ما بسیار قدرتمند است و همان طور که در بحث یافته‌ها مطرح کردیم، با مقایسه فرزندان مشروع و نامشروع مشخص شد که کودکان نامشروع منزوی‌تر، افسرده‌تر، سرخورده‌تر

هستند و هنگامی که از واقعیت امر نسب خود اطلاع پیدا می‌کنند احساس بی‌ارزشی بیشتری می‌کنند. این افراد معمولاً به دلیل عدم حمایت عرفی در جامعه و حتی خانواده، بیشتر به سمت بزه‌کاری کشیده می‌شوند. همچنین با مطالعه تفکیک جنسیت مشخص شد، دختران نسبت به پسران، انزواطلب، افسرده‌تر احساس بی‌ارزشی بیشتری می‌کنند و حتی در بخش بزه‌کاری هم دختران نسبت به پسران آمار بالاتری را به خود اختصاص دادند.

به هر نحو، طفل نیاز به نگهداری و تربیت دارد و واجب کفایی است اما والدین آن از این مسؤولیت فرار می‌کنند تا از اقشار جامعه و فرهنگی و عرفی خود را نجات دهند. که در این میان، اطفال ولدالزنا بیشتر از لقاح به وسیله منی اجنبی آسیب می‌بینند. به نظر می‌رسد هم قانون هم فرهنگ‌سازی جامعه در رابطه با این اطفال باید ترمیم شود و رفتار مناسب‌تری نسبت به این اطفال صورت گیرد چراکه خود در بوجود آمدن این شرایط نقشی نداشته‌اند و می‌بایست بیشتر سخت‌گیری‌های قوانین و عرف، متوجه پدر و مادر این اطفال باشد.

## منابع

- آقاجانی، محمود، قرابت و نسب فرزندان نامشروع در فقه امامیه و حقوق ایران، اولین کنفرانس پژوهش در فقه، حقوق و علوم اسلامی، ۱۳۹۶
- پیروزمند، مه‌نوش، آگاهی زنان نسبت به حقوق خود در خانواده و تأثیر آن بر تحولات خانواده در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، ۱۳۹۳
- عباسی‌کلیمانی، عاطفه، بررسی لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان، فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی، ۴۳-۵۶، ۱۳۹۰
- قبله‌ای، خلیل، بررسی احکام فقهی و حقوقی کودکان نامشروع، مجله دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۱۳ و ۱۴، صفحات ۱۱۵-۱۵۰، ۱۳۷۸
- کاویانی فرد، حمید و سهل‌آبادی، مریم، بررسی احکام حقوق مدنی فرزندان نامشروع از منظر فقه امامیه، مطالعات فقهی و فلسفی، سال سوم، شماره ۹، صفحات ۱۲۷-۱۴۳، ۱۳۹۱
- مهدوی کنی، صدیقه و ذبیحی بیدگلی، عاطفه و حمزه‌خانی، سمیه، بررسی فقهی حقوقی حق توارث فرزندان متولد از اهدای جنین، فصلنامه فقه پژوهش‌های حقوقی، سال هفتم، شماره ۲۴ و ۲۵، صص ۱۰۱-۱۳۲، ۱۳۹۴
- محمودی‌کهن، محمد مهدی، احکام فقهی و حقوقی کودکان نامشروع در مذاهب خمسسه اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قرآن و حدیث پردیس تهران، ۱۳۹۱
- نجاری، علی، بررسی صلاحیت قیمومیت مادر طبیعی بر فرزند نامشروع در فقه و حقوق ایران، کنفرانس سالانه پژوهش‌های حقوقی و قضایی، ۱۳۹۶
- هاشمیان، سید منصور، بررسی وضع حقوق اطفال نامشروع و خارج از نکاح در ایران و اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۹
- یزدانی، عباسعلی و دوستی، سیمین، اشکال نوپدید خانواده در ایران و چالش‌های آن، پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۹۶